

زنان

بازنمایی اغراق آمیز از زن ایرانی

گزارشی از نشست بررسی کتاب «بازنمایی ایران پسا انقلاب»



سخن دبیر

روایت معارض زن ایرانی

عطیه کشتکاران

دبیر گروه زنان

Atiye.keshtkaran@gmail.com

جمله‌ای وجود دارد که بارها آن را برای ترغیب یا تهدید شنیده‌ایم: «اگر روایت نکنید، روایت می‌شود.» به نظر می‌رسد معنای لفظی جمله ایرادی ندارد. بخواهیم به زبان منطق ساختار آن را بشکافیم، جمله شرطی متصله است. اگر الف آنگاه ب. اگر باران بیبارد، زمین خیس می‌شود. روشن است دیگر. به ندرت پیش می‌آید که شاهد دنیایی خالی از روایت باشیم. هر رویداد کوچک و بزرگی ممکن است بی‌شمار شاهد و راوی داشته باشد و هر کدام از دریچه نگاه خود آن را حکایت کنند.

از رویدادهای مکرر مانند سنت‌های تحویل سال و نوروز گرفته تا اتفاق‌هایی سالی یک بار مانند پیاده‌روی اربعین. پس امروزه هر کس و ناکسی صاحب امتیاز یک رسانه شخصی است، روایت‌نشدنی در کار نیست.

مشکل آنجاست که معمولاً روایتی که فاعلش دیگران باشند با روایت مطلوب ما فرسنگ‌ها فاصله دارد، بویژه اگر دیگران در دایره دوستان و نزدیکان ننگینند و بخواهند با کج و معوج کردن روایت، حرف خودشان را هم به کرسی بنشانند.

«روایت غالب» یا سبقه زمانی دارد، زودتر دست به کار شده و به تصویر و قلم کشیده یا قدرت و نفوذ بیشتری برای روایتگری دارد.

گاهی آنقدر میدان نابرابر است که روایت غالب تا مدت‌ها تک روایت آن موضوع است و دیگر به سختی بتوان روایت معارضی عرضه کرد.

یک نمونه آن روایت زن ایرانی در نشر مکتوب انگلیسی‌زبان است که گزارشی از یک نشست رونمایی کتاب با این موضوع در این شماره ایران جمعه منتشر شده است، بلکه صدای این «روایت معارض» کمی رساتر شنیده شود.



گاهی آنقدر میدان نابرابر است که روایت غالب تا مدت‌ها تک روایت آن موضوع است و دیگر به سختی بتوان روایت معارضی عرضه کرد. یک نمونه آن روایت زن ایرانی در نشر مکتوب انگلیسی‌زبان است که گزارشی از یک نشست رونمایی کتاب با این موضوع در این شماره ایران جمعه منتشر شده است، بلکه صدای این «روایت معارض» کمی رساتر شنیده شود

امروز که فضای مجازی جولانگاه ایجاد معنا برای افراد است؛ چگونگی روایت بیشتر از واقعیت مورد اهمیت است و به همین دلیل نیز آثار ادبی این حوزه بررسی شده‌اند. به نظر می‌رسد این کتاب تازه تألیف شده، حرکت جدیدی است که شاید شروع راهی برای نویسندگان ایرانی باشد تا تصویر جدیدی از زن ایرانی به جهان و به خود زنان ایرانی نشان دهد. این نوع کتاب‌ها نه تنها به زبان‌های خارجی بلکه برای زنان ایرانی نیز باید تولید شوند تا همین زنان با موج رسانه‌ای علیه‌شان مقابله کنند زیرا معمولاً همین زنان در موقعیت‌های آکادمیک و مدیریتی در کشورهای مختلف حاضر می‌شوند و به عنوان نماینده زن ایرانی خواهند بود. بنابراین تصاویر اغراق آمیزی که وجود دارد؛ اقدامات فعالانه‌تری از نویسندگان ایرانی می‌طلبید. مثال نقض روایت‌های موجود باید به زبان‌های مختلف در دسترس مردم قرار گیرد؛ امری که به نظر می‌رسد خلأ بسیاری در آن داریم.

جهانیان تصویر جامعه عقب‌مانده داشته باشند. به وضوح می‌بینیم که تصویر دنیا از ما در ذهن خود زنان ایرانی نیز رسوخ کرده و در برخی موارد آنچه در ذهن وجود دارد با واقعیت زندگی‌شان تفاوت دارد.

اهمیت روایت درست و واقعی

اهمیتی که این نوع روایت‌ها دارند این است که مخاطب آثار اینچنینی معمولاً منفعل نمی‌ماند و تصویری که دریافت کرده‌اند را بازنشر می‌کند. کتاب حسین نظری که در این نشست نقد و بررسی شد؛ سعی دارد تفاوت تصویر زن در آثار معروف کنونی که زنان مقیم آمریکا نوشته‌اند را با واقعیت نشان دهد و روایت‌های موجود را نقد کند. در عین حال بحث شرق‌شناسی و فمینیسم در موضوع زنان را نشان دهد.

مواجه شده است. محسن بدره، استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه الزهرا، سخنران بعدی این نشست بود. او تصویری زن ایرانی را مؤلفه مهم در شرق‌شناسی می‌داند و تأکید دارد که فمینیسم تبدیل به نوعی خوداستعمارگری شده است. بدره غیر از نگاه به کتاب «بازنمایی ایران پسا انقلاب»، سؤالی را مطرح می‌کند: «ما چقدر توانستیم تجربه‌های زیسته زنان و تاریخ شفاهی زنانی که تجربیاتی از جنگ و انقلاب دارند را ثبت و ضبط کنیم؟»

زائر زندگی نوشت شدند و سعی کردند از همان الگوهای کتاب بتی محمودی استفاده کنند و تصویری کاریکاتوری از ایران ارائه دهند که در آن مردان فاسد و خشن هستند و زنان نیز سرکوب شده، مطیع و به اندازه همان مردان شرور هستند. «قاسمی به این موضوع می‌پردازد کتاب‌هایی که در حال حاضر به زبان انگلیسی از وضعیت زنان و به نحوی زندگی‌نوشت هستند و در بازار آمریکا به فروش می‌رسند، کتاب‌هایی سیاسی هستند و در نهایت هم ادبیات موجبات دخالت و استفاده سیاسی می‌شود. زینب قاسمی از تجربه حضور خود در کنفرانس‌های بین‌المللی می‌گوید که وقتی از او می‌خواهند اثری که نگاه درستی به زن ایرانی دارد و کتابی به زبان انگلیسی در این زمینه به آنها معرفی کند، دستش خالی است و با خلأ در این زمینه مواجه شده است.

مردان به جهان معرفی شده‌اند؛ درحالی که این تصویر تیره در مورد زنان در عربستان و افغانستان یا کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود.

مردم غرب اگر بخواهند مطالعه‌ای در مورد شرایط زنان ایرانی داشته باشند؛ به معدود کتاب‌های انگلیسی برمی‌خورند که زنان ایرانی مقیم آمریکا نویسنده آن هستند و روایت آنها از تجربه زیسته یا داستان آنها با توجه به بازی‌های سیاسی، مهر تأییدی است بر همان تصور تیره و غیرواقعی که جامعه غرب از زن ایرانی دارد.

فاطمه امی
خبرنگار حوزه زنان و خانواده

اگر از ما راجع به غرب و زندگی در غرب بپرسند؛ ذهن ما را به صدها فیلم و کتاب و روایتی ارجاع می‌دهد که در دسترس همه قرار دارد. نوع زندگی مردم، خصوصاً زنان، در غرب بدون حرف مخالف برجسته یا معیاری برای صحت‌سنجی آن، به ما ارائه شده است. همین معادله را اگر برعکس کنیم و از مردم آمریکا بپرسیم، نتیجه‌اش این است که ایران را با عراق اشتباه می‌گیرند و در نهایت تصویری که در ذهنشان وجود دارد اختلاف فاحشی با تجربه واقعی زندگی در ایران دارد. زندگی در ایران در ذهن غربی‌ها وقتی تاریک‌تر می‌شود که یک زن ایرانی باشی.

زنان ایرانی افرادی مظلوم و تحت سلطه مردان به جهان معرفی شده‌اند؛ درحالی که این تصویر تیره در مورد زنان در عربستان و افغانستان یا کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود.

موضوع روایت زنان ایرانی مقیم آمریکا، موضوعی دست‌نخورده است که در حد تألیف چند کتاب به زبان انگلیسی باقی مانده است. به همین بهانه اخیراً کتابی از نویسندگانی ایرانی به زبان انگلیسی منتشر شده تا خط بطلانی روی این موضوع باشد. دوشنبه ۸ خرداد رونمایی کتاب «بازنمایی ایران پسا انقلاب» در کتابخانه ملی برگزار شد. این کتاب نوشته حسین نظری، عضو هیأت علمی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران است. این کتاب در ۵ فصل به نقد و بررسی ۳ کتاب معروف انگلیسی پرداخته که زنان ایرانی مقیم آمریکا آن را نوشته‌اند: کتاب «بدون دخترم هرگز» نوشته بتی محمودی، «لولیتاخوانی در تهران» نوشته آذر نفیسی و «پاس‌ها و ستاره‌ها» نوشته فاطمه کشاورز.

در این رونمایی چند سخنران به نقد و بررسی این کتاب پرداختند. زینب قاسمی طاری که اولین دانش‌آموخته مطالعات آمریکا در ایران و استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است؛ فصول کتاب حسین نظری را تشریح می‌کند و راجع به کتاب‌هایی که بررسی شده‌اند می‌گوید: «بطور مثال کتاب بتی محمودی که در فصل دوم کتاب به آن پرداخته شده از این لحاظ دارای اهمیت است که جریان‌ساز شد. این کتاب ۱۲۰ میلیون نسخه در آمریکا فروش رفت و بسیار دیده شد. بعد از آن موجی از ایرانیان مقیم آمریکا را دیدیم که شروع به نوشتن در حوزه



این روزها رسانه و فرهنگ، هدف و بستر اصلی جنگ شده است. روایت‌های زنان آمریکایی که تجربه زندگی در ایران را داشتند یا زنان ایرانی که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند بهانه خوبی برای ترور بیسم فرهنگی است. در واقع کسی از حمایت‌های مالی و فاند‌های اهدا شده برای تولید این آثار خبری ندارد اما نتیجه نهایی تبدیل به فروش ۱۲۰ میلیون نسخه از کتابی می‌شود که روایتگر زنی مظلوم است و قانون از او حمایتی نمی‌کند و در عین حال همسرش اجازه خروج فرزندش از کشور را نمی‌دهد.



کتاب حسین نظری که در این نشست نقد و بررسی شد؛ سعی دارد تفاوت تصویر زن در آثار معروف کنونی که زنان مقیم آمریکا نوشته‌اند را با واقعیت نشان دهد و روایت‌های موجود را نقد کند. در عین حال بحث شرق‌شناسی و فمینیسم در موضوع زنان را نشان دهد